۱ـ تاریخ نگارستان ۱۱۳۵

۲ـ مصابیح القلوب ۳۴

فیلم تهیه شد

میکروفیلم تهیه شد

کتابخانه [مجلس] ...ندس

اسم کتاب مجموعه / فارسی

مصنف / مؤلف احمد بن محمد بن عبد الغفار قزوینی و غیره

خطی / چاپی نستعلیق ۲۱ سطری

سال چاپ یا تحریر ۱۰۳۴ ق عدد اوراق ۳۶۹

جزء کتب متفرقه شماره خصوصی

شماره عمومی ۱۰۷۶۷ شماره قبض

واقف مرحوم حاج آقا محمد ایرانی مجد تاریخ وقف بهمن ۱۳۴۰

طول ۲۱ عرض ۱۲/۵ شماره صفحات

باز بین شد

۱۳۵۳خ

اهدائی مرحوم حاج آقا محمد ایرانی
بکتابخانه آستانقدس رضوی
۱۳۵۰

(نگارستان)

از احمد بن محمد بن عبد الغفار القزوینی الغفاری

انتخابی است از وقایع مهم تواریخ

تاریخ کتابت ۱۲۳۶ – تاریخ تألیف ۹۵۹ [illegible] کتاب [illegible] نگارستان [illegible]
[illegible] (از جمله کتبی [illegible] نگارستان [illegible])

(نگارستان)

لمعین الدین [illegible] الجوینی که در ۷۳۵ [illegible]

[illegible] شیخ سعدی شیرازی [illegible]

(نگارستان)

از [illegible] احمد [illegible] تاریخ تألیف [illegible] ۹۳۰

شیخ [illegible] ۱۰۰۳

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۲۴۰

ساعی صحرا ۱۲۰۶ [illegible]

[illegible]

این کتاب [illegible] مرحوم حاج آقا محمد ایرانی [illegible] ۱۳۵۰ [illegible]

شماره ۱۰۱۳۵

وقف آستان قدس رضوی
۱۳۵۴

کتابخانهٔ آستان قدس
وقف مخصوص

بسم الله الرحمن الرحیم

ای طرازندهٔ بهارستان ۞ وی نگارندهٔ نگارستان ۞ از کرم تازه کن بهارم را ۞
رقم صدق نه نگارم را ۞ دور دار از عناد حسادش ۞ به نبی و ولی و اولادش ۞
حضرت سلطان جبر و مالک رقاب ممالک تقدیر شعر نگارندهٔ پیکر انس و جان ۞
نویسندهٔ قصه کن فکان عظیم سلطانه که سالک مسالک قرب در ادای محمدت و ثنایش
را جلینه و باریافتگان سرادقات از عهده سکر آلایش بعجز قایل مخبر صادق و حبیب فایق
خود را که هزار دستان بوستان و ما ینطق عن الهوی و نیرنگ اورنگ نگارستان ان هو
الا وحی یوحی است بخطاب مستطاب نحن نقص علیک احسن القصص شرف اختصاص ارزانی
داشت و رایات معجزه آیات بنوشتن را بعنایت بی غایت و کل نقص علیک من انباء الرسل ما نثبت
به فوادک بر ذروهٔ تقرب و استیلای قاب قوسین او ادنی برافراشت ان الله و ملائکته یصلون
علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما فرد جانها فدای خاک رهٔ آن بزرگوار گو را
فدای عقده که دارست و غمگسار ۞ و کلام اعجاز آیین موصوف بصفت و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب
مبین محتوی بر آثار سلف و قدما و منطوی بر اخبار اخیار انبیا و سلاطین و اساطین تجار و حکما
فرموده اند تا ارباب طبع موزون و اصحاب ذکاوت بجودت ذهن مشحون بموجب منطوق
هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون در نوادر وقایع و سوانح و بدایع جهان بنظر امعان

آن که سنّش به نود و شش سالگی رسیده بوده بیش از پنجاه سال در حکومت گذرانیده
بخدمت آن پادشاه باستحقاق شتافتند و بدر الدین لؤلؤ هم در سنه تسع و خمسین و ستمائه
وفات یافت و خان پسرش ملک صالح را تربیت کرده دختر سلطان جلال الدین را در حبالهٔ نکاح او
درآورد و مناصب بدو تفویض نمود اما بعد از چند گاهی بخود توهمی راه داد و بسلطان مصر
و شام بندقدار انام پناه برد و هلاکو خان از آن سبب برآشفت و سداغون نوین و ملک
صدر الدین را با دو تومان لشکر بر سر او فرستاد و ملک صالح از بندقدار استعانت
نمود لاجرم حسب الامر لشکری بهر امداد او بسنجار آمدند و قبل از وصول دو کلمه نوشته بر
بال کبوتری بستند و بجانب موصل پرواز دادند مضمون آنکه در فلان روز بآن حدود
میرسیم خاطر جمع و آسوده دارند آن کبوتر هوا گرفت و بجانب میدان فلکی باردوی
مغول نزول نموده بر سر منجوق توق مغولی یا فراز منجنیق سنگ عراده نشست علی الحال کبوتر
را گرفتند و از آن آگاه شدند و همان نامه را باز بر بال کبوتر بستند و رها کردند
چون کبوتر بآن قلعه رسید و ملک صالح آن نامه را دید از آن خبر مسرور گردید و مترصّد
وقت می بود و در همان روز حشری از بهادران خونخوار تاتار بجانب سنجار رفتند
و سر راه بر سپاه شام گرفتند و دمار از روزگار ایشان برآوردند و در حین مراجعت
بلباس شامیان ملبس گشته در روز معهود از راه مقرر خود را باهل قلعه نمودند اهالی
حصار بگمان آنکه انصار و اعوان ایشانند باستقبال عساکر فیروز مآثر مغول آن جماعت را
احاطه کردند معدودی چند از آن رستخیز بپای گریز بصد محنت خود در آن قلعه
رسانیدند و جان از آن مهلکه بقلعه در رسانیدند و از آن واقعه ناگهان شکست تمام و خوف
مالاکلام بحال سکان آن مکان راه یافت و بعد از آن در اندک زمان آن قلعه مسخر
گشت و ملک صالح را زنده گرفته بدرگاه هلاکو خان حاضر گردانیدند و در معرض عتاب و
خطاب آوردند مصراع موصل رسید آورد اخبار فتح موصل لاجرم قهر سیاست و انتقام